

در نیمه اول قرن ۱۳، اروپا شاهد نوزایی این بود که به رئیسانش اول مشهور شد و به عنوان زمینه ای برای رئیسانش دوم بود و اندیشه های دوم در این دوره بود. از جمله ویژگی های این دوران عبارت اند از: تحول در جبهه های اروپا، شکل گرفت که این شهر نشین قاصدها را در برابر نظام فئودالی سلطنتی مطرح کرد که جمهوری بود. (پادشاهان علیه ملک، جمهوری علیه پادشاهی و دموکراسی علیه تیرانسی)

عوامل شکل گیری این نوزایی عبارت اند از:

- تقسیم ملک نوزایی روستایی به شهر
- ساخت دانشگاه ها، نظام آموزش اروپا، امتداد جهان حومه ای علیه بود اما در ایران چنین نبود و دانشگاه ها صد ساله
- ترجمه آثار اسلامی و یونانی، کتاب سیاست ارسطو الهام بخش بسیاری از متفکران از جمله مائیکاولی بود. مفاهیمی از جمله دولت شهر، شهروند و...
- گسترش ملل گرایی در برابر ملیت گرایی، ناسیونالیسم راسط ملک.
- منازعات و جنگ های مذهبی و غیر مذهبی.

- هنر اروپایی، پرداختن به پیکر و پرده ای انسان. تلاش برای چیده کردن نقش انسان. قابل به او مانع. قبل از ظهور مائیکاولی نوعی جمهوری گرایی در ایتالیا پدید می آید. شهرها هم ایتالیا، فلورانس و ونیز بود. فلورانس به صورت دولت شهر بود و ساختار جمهوری داشت. احمدیت فلورانس از این جهت است که باعث شکل گیری اندیشه های مائیکاولی بود.

کتاب شهریار مائیکاولی، پادشاهان خواهی و کتاب گفتارها، جمهوری خواهی او را نشان می دهد. اندیشه های مائیکاولی نوعی سیاست نامه یا توصیه نامه است که حکومتی حکومت داری را به پادشاهان می آموزد. حامیان مائیکاولی می گویند: مائیکاولی به دنبال قدرتمندی ایتالیا است و هدف مطلوبی دارد؛ هدف او رسیدن به وضعی می کند. مائیکاولی اصحاب و دشمنان و ملل گرایی است و پادشاهان نوعی ملل گرایی است؛ چرا که پادشاهان نمادی از هویت ایتالیا بوده است.

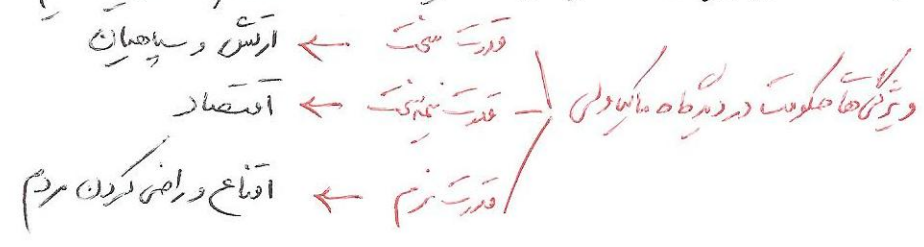
پادشاهان در اروپا با حکومت ها شرق تفاوت دارند. در شرق پادشاه، ناموس و منصب مال و جان همی مردم است ولی در اروپا حدودی مشخص است. لذا پادشاهان از این جهت با جمهوری قابل جمع است.

روش مائیکاولی، روش تاریخی-تجربی است و به سردر اموال گذشتگان می پردازد. او می گوید تجربه کردم و به شهریار رسیدم. اندیشه های او در کتاب گفتارها تدوین می شود. کتاب دیگر او در مورد فنون جنگ است. جنفادری در نظر او بسیار مهم است. حکومت نمی تواند قدرتمند حکومت این هستد که از سلاح بهره می گیرند. او به حکومت حضرت موسی (ع) و کوروش استناد می کند. جمهوری از مهم ترین اندیشه های دوران جدید است که در تفکرات مائیکاولی مطرح می شود.

آیا می توان مائیکاولی را فیلسوف سیاسی نامید یا اینکه او سیاست نامه نویسی و تاریخ نگار است؟

هدف از سیاست نامه نویسی، نگهداری حکومت و حفظ قدرت است. مائیکاولی از کوروش تا اثر زیادی پذیرفت. کوروش چنانچه قدرت نرم او و قدرت اقتناع سازی این مورد نظر مائیکاولی است. مائیکاولی سیاست نامه نویسی ایتالیا است نه سیاست نامه نویسی پادشاهان. از نوشته های مائیکاولی می توان دیدگاهش از فلسفه سیاسی را یافت. انسان شناسی مائیکاولی، انسان را ترسو، طماع و زبانشان معرفی می کند که شبیه به نگاه هابز است. امتداد چنین انسان شناسی است. در فلسفه سیاسی، لزوم دولت معتبر است. در معرفت شناسی او تجربه گرایی است. بحران شناسی او از ایتالیا، بحران حکمتی مطلق بود که در نگاه به واقعیت آن را یافته بود.

ارتش و قدرت و زور در دستگاه ماکداولس اصل است. وجود سپاه قدرتمند برای شهریار اهمیت ویژه ای دارد؛ علاوه بر آن خود شهریار هم باید جنگجو باشد. علاوه بر قدرت نظامی، قدرت اقتصادی در اندیشه ماکداولس اهمیت دارد. آنزده های اقتصاد مردم بسیار زیاد است. مردم را باید مدیریت اقتصادی کرد؛ به علاوه باید به فکر زیاده خواهی و بیش رفت اقتصاد بود. جاه طلبی و اشتراک گرایی در اندیشه ماکداولس بدین ترتیب نمودار است. وقتی سوم حکومت و اقتاع سازی مردم است؛ باید مردم را قانع کرد؛ باید با قانوق آشنا کرد. مردم را باید راضی کرد و در نهایت باید چابک و پرستیز شهریار حفظ شود. هر چند شهریار تصمیم استباغی بگیرد، باید با قاطعیت رفتار کند.



حکومت مطلوب ماکداولس، پادشاهی جمهوری است. پادشاهی جمهوری مانده است؛ مردم همیشه با او کار می کنند. اساس تکلیف حکومت، طبیعی است؛ از این نظر به ارسطو تراسی دارد.

ماکداولس پدر رئالیسم سیاسی شفاخته من شود. اصالت پادشاهی است (در رئالیسم سیاسی). رئالیته ها اصالت رای قدرت و زور می دهند؛ لذا ماکداولس در روابط بین الملل بسیار مؤثر بوده است. به نظر من از روش ها غیر اخلاقی مثل ای در عیب و وحشت، تطبیع مردم، استفاده از زور و قدرت در اندیشه ماکداولس بروز دارد. ماکداولس پدر اخلاق سیاسی است در حالی که دین به دنبال انبساط اخلاقی است.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلسه ی سوم // ۱۱/۱۱/۹۲

اندیشه های توماس مور؛ کتاب می دارد: اگرمانشهر (آقویا)

دوران که مور در آن زندگی می کند می راند سر آغاز انقلاب انگلیس است. مور از این جهت که پادشاهی است که پادشاه است، به سنت توماس مور مشهور شد.

در این دوران با کشف آمریکا، کم کم تجارت ^{ایالتی} مرکز تبادل کالا به لئون و غرب بود است، کاهش می یابد؛ ^{چرا که} ^{کلیت} ^{عزیم} ^{هستم} به تقویت نیروی دریایی انگلستان روی می آورد. این دوران با دوره صفویه همزمان بود است. تا قرن ۱۶ پیش از مسیحین کاتولیک اند. اما تقریباً همزمان با مور، لوتر هم بروز می یابد. مناظرات مور و لوتر بسیار جالب است. مور در مقام یک کاتولیک است که در برابر اصلاحات و شبهات لوتر می ایستد.

با تقویت نیروی دریایی، اقتصاد انگلستان رشد می یابد. از این جهت که انگلستان مرکز نساجی دنیا به شمار می رفت، بسیاری از زمین ها غلات را به چراگاه تبدیل می کند و بدین ترتیب دوطبقه شوکت و فقیر می آید می شود.

به عنوان یک مسیحی معتقد، دفاع از سیمت. به عنوان یک سرمایه دار؛ حقت در جایگاه ها مختلف سیاسی. به عنوان یک آرماتور؛ یک کتاب در شهر او باعث رشد ادبیات گردید.

شخصیت توماس مور

عزیم هشتم، توماس مور را به مقام صدر اعظمی بالا برد؛ اما خود او مور را اعدام می کند. عزیم هشتم از این جهت که به عنوان یک پادشاه زمین طلب شناخته شد و ^{اصطلاح} زمینه ساز استقلال و جدایی پادشاه از ملک و پادشاه شد، اهمیت و اولویت دارد.

کتاب آرماتور: حکمت ناشر جمهوری است. بخش اصلی کتاب، دفتر دوم است که بعداً نوشته است. در دفتر اول، پیش از به فلسفه می نگارد. دفتر اول

که بهیچ دراز.

در آرمایشه ابتدا به شرح وضعیت اعمالی انگلستان می پردازد. در قسمت دوم باب یک داستان ضایعی، اندیشه ها خود را بروز می دهد. می گوید آنتونیا یک خوزه است و در این خوزه سوسالسیم حاکم است که می گوینم؛ یعنی همه در خوزه کار می کنند ولی مالکیت خصوصی وجود ندارد. او معتقد است به اصلیت کار، بدین ترتیب بکار می رانند و به اقتصاد کسب و کاری اهمیت بالایی می دهد.

→ [سینا آرمایشه]

* تکلیفات سیاسی و اداری خوزه به آنتونیا کلاً دیکتاتور است. که رئیس آنتونیا بود است.
* جمعیت آنتونیا محدود است ولی هر خانواده باید تعداد زیادی فرزند داشته باشد؛ لیکن با زنا مخالف است و از این جهت میگوینم انقلابی متفاوت است. برخلاف جمهوری ایتالیا چون بر مقام خانواده و ازدواج ارزش زیادی قائل است.

→ [اقتصاد آرمایشه]

* اساسی ترین قانون خوزه، نظامی مالکیت خصوصی بود. ثمر مالکیت هم ترین وجه اقتصاد آنتونیا است.
* در آرمایشه آزادی ادیان وجود دارد؛ حتی برای کازان و مسلمانان و کسانی که به روح اعتقاد ندارند.

→ [آزادی ادیان در آرمایشه]

* در آرمایشه لاهم (زن و مرد) به کارک و زنی مشغول می شوند، و عده ای کمی اثر کار معاف اند.
* با تجملات به شدت مخالف است. هر کس که نباید ضرب شود اما در تعامل و تجارت با خاصان عیبی ندارد. او اصالت سرمایه را رد می کند و معتقد به اصلیت کار است.

* قدرت از پاپین به بالا می رود. پارلمان تصمیم گیر اصلی است. پیرگراسی و رئیس سفیدی اصل است.

* شادکامی در کسب فضیلت است؛ از لایح رو سینه به انقلابیون و ارسطو است.

* آن کاری بین تر فضیلت دارد که خیره صفاش داشته باشد.

* قانون باید ساده و همه فهم باشد و همه از آن قانون و مجازات ها آگاه باشد.

* طبیعت گراسی مورد قبول و مدوح است. ولی قائل به روح نتر هست.

* پادشاه شبیه مردم است و زیاد دنبال جلال و هیبت نیست. (بین پادشاه ایماپ و کلیل ارجایا می داند).

* به جنگ اهمیت می دهد ولی اهالی آنتونیا از جنگ به فرارند و تلاش عمده این است که با گفتگو مشکل را حل کنند. به نیروی نظامی کم تر از سایر دولتی بها می دهد و به حد نیاز اکتفا می کند. تا جایی که ممکن است مردم نباید درگیر جنگ شوند و اگر می شود باید مزدور اجیر کرد.

شخصیت توماس مور در مقام یک سیاستمدار:

< در مقام یک سیاستمدار > در مقام نماینده پارلمان < در مقام نخست وزیر و عضو مجلس اعیان > در مقام مشاور پادشاه.

شخصیت توماس مور در مقام یک مسیحی معتقد:

۱. آئین و مذهب مور؛ این وارسته و یک کاتولیک معتقد است که حاضر به کنار گذاشتن مذهب خود نیست.

۲. مناظرات مور و لورک / نقش و عبادت لورک؛ عدم نیاز به مفسر دینی، مشروعیت همه چیز به دست پاپ نیست، پیرگراسی، ... نقد آئی مور بر لورک؛ آنگونه ای لورک را مطرح می کند.

۳. مور و نهاد کلیسا و پاپ؛ در دوره ای مور مسیحیت به اعتقاد صریح نفوذ و قدرت خود رسیده است. در این دوران پاپ نفوذ سیاسی بسیار زیادی دارد به گونه ای که ازدواج پادشاهان هم با نظر و تأیید پاپ صورت می گرفته است.

۴. مرگ مور بر پاپی و فساداری به پاپ؛ نفی طلاق خونی عیسم و نفی و عدم پذیرش رابن خونی عیسم بر کلیسا.

مارتین لوتر: قرن ۱۶ کشاکش بین کتب و فتوای لوتری و نهاد کلیسای روم و دانشگاه امارت کرد. لوتر خود یک کشیش بود. او طرز تفکر آنتوان، دچار یک انقلاب درونی شد و در سنگ روحانیت در آمد.

در آن اوضاع قرن ۱۶ که فاصله های بین اعتیاد و خرد افراشته می شد، لوتر ظاهر کرد. لوتر هدفش این بود که از طریق اصلاح ایجاد کردن در کلیسای روم به اصلاح نرسد. او در بیاندهای هستی فزونی کلیسای روم سوال برد.

چند عبارتی که لوتر استفاده کرد برای تکلیف ایجاد کردن در نظام کلیسای روم، به کس گفته است و این است؟ کلام، کلام خداست. [نکته: اختراع دستگاه چاپ و گسترش متن انجیل، باعث گسترش تمام شد.]

لوتر، مرجعیت کلیسای روم را زیر سوال برد.

* لوتر، آلوئین است. اصالت ایمان در مقابل اصالت اعمال، از جمله موضوعاتی است که لوتر معتقد بود. این گفت ایمان درونی است که باعث نجات است نه آن چه بجهل می کند.

توده های مردم نیز به طوفانی از لوتر برخاستند. لکن لوتر دنبال اصلاحی بود نه انقلاب. در این جا در دوره ای امرا و پادشاهان ملکی و مردم و کثرت در آن، امرا و حکامان ملکی را برتری داد. و در جواب مردم گفت که من گفتم باید تغییر داده شود نه این که گفتار شود و به انقلاب ختم شود. لذا این موضوع به سرکوب شد و دهگانان منجر شد. اما آموزه های لوتر با برجا ماند و حتی به فرانسه و انگلستان نیز صادر شد. * هیچ اندیشه ای در فلاسفه تولید نمی شود. از این رو لوتر از متفکرین قبل بسیار استفاده کرد و حضور در دربار پادشاه و هم چنین مناظرات او باعث ماندگاری و گسترش اندیشه ای او شد. مناظرات او با مورم موجب گسترش تفکرات او شد.

در سال ۱۵۵۵ ملاحظه توانم نامه وصلی ایجاد شد.

چون هر کس لوتری بود توسط کلیسای کاتولیک شکنجه می شد و کشته می شد.

اما بعد از سال جنگ مذهبی که از لوتر آغاز شد، در سال ۱۶۴۸ نیز وقتیکه دولت - ملت و ادراک سیاسی دینی است. از سال ۱۵۱۰ تا ۱۶۴۸ حدود ۱۳۰ سال کشاکش و جنگ تا این که کلیسای کاتولیک نداشتند. البته نه به طور کامل؛ هنوز هم کلیسای روم باقی مانده دارد.

* لوتر آندرا پارت، از مقابل کلیسای روم قرار داد. او کلیسای روم را داخل پارت می قرار داد. لوتر کلیسای روم را به جامعه ای مسیحیت دنیا تغییر کرد که این موضوع هم در زوال جامعه ای روحانیت کلیسای روم بود.

البته ضلوع طول کشید، دولت - ملت آلمان شکل گرفت (سال ۱۸۵۰)

از زمان لوتر و اندیشه ای او:

- زندگی و زمانه اش در اندیشه اش مؤثر بود. بحران زمانه ای لوتر، بحران مشروعیت است که کلیسای روم از دست دادن است که این موضوع بحران اقتصاد، فساد درباری و کلیسای روم را در پی داشت.

- معرفت شناسی لوتر: ترکیبی است از ایمان و عقل؛ ایمانی که بر عقل سطره دارد. هر چه روحانیت مسیحی را نفی کند.

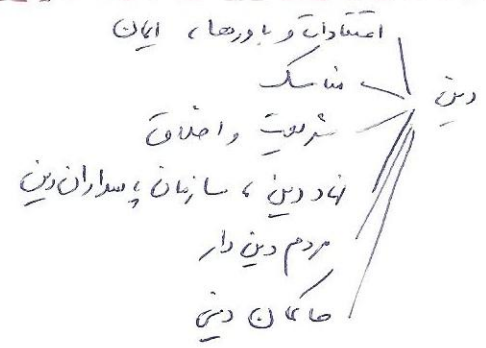
- او مدعی مسیحیت حقیقی است. هفتاد و هفت در جامعه ای امپراتور حاکم می داد.

- لوتر آلوئین هست و این هر چه روحانیت مسیحی را نفی کند. چون آلوئین هر چه است کلیسای روم را نقد کند.

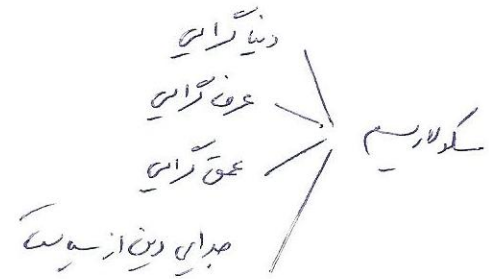
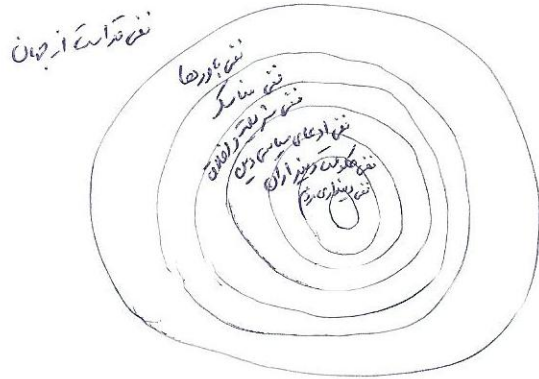
- هستی شناسی: لوتر قائل به نگاه نخستین است ولی به این هم قائل است که سرزودست هر انسانی از عقل نیستند. به نسبت ضد مناسک است و ایمان درونی مهم است. معنای نگاه نخستین این نیست که مفهومی کلی در آسمان و بهشت را بجزیم، بلکه ایمان خود می توان به سعادت رسید.

- نظریه ای سیاسی: هر لوتری اگر پاپ و کلیسای کاتولیک را بجزیم، باید سراج پادشاه مردم. آندرا پارت، اصالت قدرت پادشاه به معنای گذارند است. کامل دین نبود بلکه او معتقد بود که باید نهاد دین و درک جدا و هر کدام به جایی خود باشد. هر لوتر آندرا پاد دین ضلوعی بنا نهاد.

- باید کاهش یابد، اعتبار پادشاه کم شده باید افزایش یابد.
- هرگونه حرکت طبق استعداد خود به کار میخورد (در یکد افلاطون)
- لوتر گزیده نظام را به عنوان آخرین راه حل مطرح می کند و میگوید اگر نیاز به ضبط شد، سخت مهم است، باید با هدف ضرورت به صلاح بود.
- باطن را و وجدان گراست؛ کلب دین را بین از حد برون ترا کرده است.



یکی دین را به حد اکثری در بر گرفته همه مؤلفه های بالا است. اسلام دین حد اکثری است.



مسیحیت نه شریعت دارد و نه ادعای حکومت دارد. لوتر به دنبال نوعی کولاریسم مسیحی است نه کولاریسم مومن.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلسه ی پنجم // ۱۰/۱۱/۹۲



مضافاً حکومت نیز دو رکن دارد: دین و غیر دین.
در رکن دین دو بخش دارد: شوری و مصیبت و

شوری عاقل مدنی حکم دولت را دارد. نهاد تصمیم ساز «پرسیترها» (برگان و ریجی سفیدان) هستند.
این دوران گذار است. در دوران گذار هم جنبش سنتی را حفظ می کنند و هم جنبش مدنی را احیاء می کنند.
حتی کالون حضور مردم را در طلب اجباری می کند.

او از قدرت مطلقه ی پاپ فاصله می یابد که قدرت تقسیم شد.

نفس مردم بین ترهاش و تأیید کردن بود.

- کالون و لوتر بنیان گذار یک مذهب شدند.

- یکی از اثرات مهم کالون در عصرهای اقتصاد بود. می گوید برای قدرتمند کردن حکومت باید در برخی اندیشه های مسیحیت تجدید امری کرد. قبح تجارت

سرمایه داری، ربا، ... در اندیشه کالون کاسته شد. «ویر» حتی به طور کامل این مانع دین را از سر راه تجارت برداشت. سرمایه داری

به گسترش پرداخته شد. کالون آغاز کننده ی این امر بود. بعد سرمایه داری و پرودا تقسیم علیه فتوادالسم به باخاست. لذا

یک رأس مثلث قدرت (کلیسای کاتولیک، فتوادالسم، پادشاهان) تضعیف شد. گسترش پرودا تقسیم نیز به تضعیف کاتولیک منجر شد.

- از نظر کالون، این دولت است که باید میزان بهره ی اقتصادی را تعیین کند.

ژان بون: تقریباً معاصر کالون است. برخی می گویند شباهت ژان بون و ماکس ویبره زیاد است. ژان بون فرانسه را معتقد می خواهد. تکالیف

زیادی در حکومت فرانسه وجود داشت. حکومت اس متعددی وجود داشت و قدرت مرکزی نبود.

بون را با مفهوم حاکمیت می شناسند

یک شخصیت چند بعدی است. هم یک نویسنده ی ادبی است و هم حقوق دان. در کتاب او از سازه های سیاسی، رضایت تاریخ و ... یافت می شود.

مهم ترین آثار او سخن کتاب در جمهوری است. منظور او از جمهوری نظام سیاسی است؛ چرا که او به دنبال پادشاهی می نگردید.

مجران های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، مجرای های زمانه ی بون بود که در شکل گیری اندیشه های او نقش زیادی داشت.

رساله های دیگر بون: روشن آسان فهم تاریخ (در کتاب جمهوری در تاریخ سر می کشد. روشن نگار، طبیعت دارد. روشن تاریخی دارد. نگاه او

نگاه ها است که تلاش می کند نمونه های تاریخی را بیابد و با توجه به آن ها برای زمانه ی خود نسخه پیچد. یک نوع تاریخ نگاری فلسفی دارد؛ تاریخ

صرف نیست.

مهم ترین اندیشه: حاکمیت. نظریه ی حاکمیت بون امروزه در سبب مهم ترین جایگاه را دارد. حاکمیت را مانند خانواده مثال می زنند. در خانواده

حاکم وجود دارد در دولت هم حاکم نیاز است.

تعریف دولت: دولت یا اجتماع سیاسی عبارت است از حکومت قانون چندین خانواده و کلیه ی متعلقات مشترک آنان به حوازه ی حاکمیت فائده.

- از نظر بون مالکیت احمیت ویژه ای دارد. مالکیت خصوصی نباید از بین رود. مالکیت خصوصی است که خانواده را از آنکه می دارد و خانواده است که [7]

منشأ حکومت است. در خانواده هم پدر حاکم است. منبای دولت زور و غرزه است. خانواده منبای شکل دولت است. زور به آنها می‌گفتند
 قانون هم اهمیت دارد. غرزه + قانون ← دولت.
 غایت دولت: **صلح** (امن و آسایش) ، فضیلت ، رفاه و اخلاق.
 حاکمیت: قدرت مطلقه و دائم حکومت یک اجماع است.
 حاکمیت ضرورتی است دارد؟ مطلق بودن و دائم بودن.
 مطلق بودن یعنی تنگنای قدرت نباشد، شرط نباشد.
 دائم بودن یعنی نباید مقید به زمان باشد.

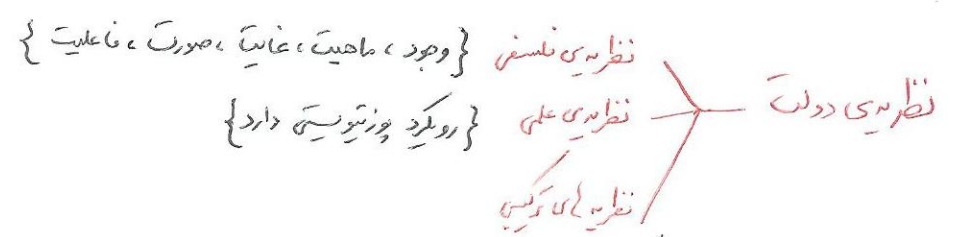
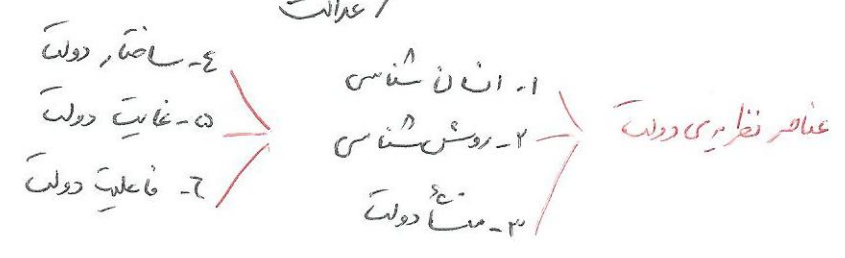
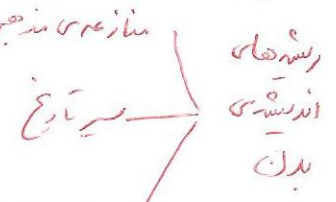
حاکمیت نباید تقسیم پذیر باشد. اسقال پذیر نیست. هدی قوانین از حاکمیت برمی آید (فرضی سید فلسوف شاه)

تفاوت حاکمیت ماکرولی و مین: توجه به اخلاق در اندیشه مین. اهمیت عدالت در اندیشه مین. قانونگذاری حکومت
 شباهت ماکرولی و مین: نباید حکومت به اموال مردم دست اندازی کند.

مین از میان انواع حکومت است، پادشاهی را انتخاب می‌کند. او با حکومت فمیلط مخالف است.

تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (ب) // دکتر محمدی // جلسه ششم // ۱۷، ۱۲، ۹۲

مجران حاکمیت مهم ترین بحران دن ۱۲ است. منازعه میان کلب با پادشاه
 اولین بار سخن که دان شد این بود که پادشاه مستقیماً از طرف خداوند آسمانی می‌شود.
 منازعه مذهبی / کلتی / پادشاه



به عبارتی می‌توان چنین گفت که مین، نظریه دولت دارد.

انسان شناسی: نه مثل ماکرولی نگاه منفی دارد نه مثل سوسیالیست که انسان را نگاه کار می‌داند و نه نگاه خوش بینانه دارد. بلکه یک رویکرد واقع گرایانه دارد. می‌گوید انسان تحت نظر دولت اهمیت می‌یابد. به قانون طبیعی معتقد است. در خانواده پدر حاکم است، خانواده که دولت را می‌سازند
 روش شناسی: روش شناسی تاریخی بر اندیشه های امپریکال است. او در تاریخ سر می‌کند. مطالعات حقوقی او در سیر تاریخی مین، تأثیر داشته است. سیر در تاریخ برای او طریقتی دارد، مضافاً به استناد از تاریخ، مکاتبات را حل کند. مین از سیر تاریخی جهانگشایی می‌رسد.

مستأد دولت : خانواده است . اقتضای طبیعت این است . البته منظور او وضع طبیعی نیست ؛ چرا که قانون وجود دارد .

اختیار دولت : به حاکمیت برمیگردد . چون اصل حاکمیت است ، دولت باید مقدر ، مسلط ، منسجم ، خرمون باشد . تفکیک مایه و تقسیم مایه نیز باشد .

غایب دولت : صلاح و امنیت و عدالت مهم ترین مسأله ی بدن است . برخلاف گذشته از غایب معانی فاصله گرفته شده است .

فاعلیت دولت : در دست پادشاه است . البته زو نظر پادشاه اندر .

حاکمیت : قدرت بر کسی است که بر مردم مسلط است .

مولفه های حاکمیت در نگاه بدن : دائمی بودن + مطلق بودن + قانونمند بودن + استقلال مایه ی

موقتی و محدود # مشروطه ، مقیده ، مقیم بر

چگونه ممکن است مطلق باشد و قانونمند باشد ؟ قانون ، نه به این معنا که پادشاه و قدرت او را محدود کند . بلکه پادشاه قانون گزار است .

در واقع منظور او از قانون این است که با وضع قانون ...

پادشاه یعنی چه ؟ بهیچین گزینی برای اعمال حاکمیت است ؛ زیرا با ویژگی های حاکمیت تطبیق و سازگاری مستلزم دارد . پادشاه می تواند تخلفان را مورد استناد قرار دهد . پادشاه باید عادلانه ، حکومت کند .
دسته بندی بدن از حکومت های
پادشاهی
دموکراسی
مختلط
مردمی

پادشاه : شخصی است که به حکمت قدرت حکم می کند نه حکمت قدرت امر او . به عبارتی می خواهد با این توفیق ، به استقلال فراتر برسد .

* البته پادشاهی را ۳ قسمت می کنند } تبدیل (ظالمانه) اربابی شاهانه
بدن پادشاهی بر این اساس را نمی پذیرد . بلکه منسوب پادشاهی باید شاهانه باشد . پادشاهان پادشاهی باید هرگز با عدالت نباشد . از عدالت نترسد ، ظالمانه می شود . پادشاهی قانونمند لازم است ؛ قانون گزار پادشاه وضع می کند .

- ۱- تن دادن به ساز و کار های به قدرت رسیدن حاکم
- ۲- رضایت
- ۳- مالکیت
- ۴- پای بند بودن به سولت
- ۵- قانون طبیعی

عوامل زوال حکومت : مالکیت های سنگین ، عدم پای بندی به قانون طبیعی ، عدم عدالت ، بی توجهی به مالکیت .

بدن نمی خواهد دین زدایی کند از جامعه . بلکه معتقد است برای آرامش و حفظ حکومت ، دین لازم است . اما مهم نیست چه دینی وجود داشته باشد . این که دین را به زور به مردم غالب کنیم بدتر از بی دینی است . او دنبال دین حد اکثری نیست . بلکه دنبال بهترین است . پادشاه باید بی طرف باشد و مصلحتی مدعی نکند .

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر محمدی // جلد ۱ // ۹۲ ، ۱۲ ، ۲۴

توماس هابز : در اندیشه های سیاسی به عنوان متفکران دوره گذار محسوب می شود . مانند ماکیاوولی و بدن به دنبال حق الهی پادشاه است و دولت قدرتمند را می طلبد . معنای آسین دولت را قرار داد به قرار می دهد .

توسم این در وضع طبیعی در نظریه قرارداد اجتماعی او با لاک و روسو متفاوت است .

حاجز به بدن و مابین وی در اندیشه‌های مربوط به حکومت شبیه است. از لحاظ انسان شناسی، اندیشه‌های حاجز ضمنی شبیه ماکس ولسی است. از نظر کاربرد
اجتماعی شبیه لاک و روسواست.

افتراع صنعت چاپ، موجب شد اندیشه‌های توتلیت در فرانسه، انگلستان و آلمان؛ سایر کشورها پس از این سده باید
حاجز بسیار ضعیف و کم‌سوست؛ لذا اندیشه‌ها و رویدادهای استیسی دارد. (برنارد ۱۵۸۸ م.)

حاجز در دوره‌های مطلقه به سر می‌برده است. بسیاری عقیده دارند که به دنبال راه‌های نسبی در زمان برای آن وضعیت بوده است. حاجز یک ماکس ولسی است. او
به تئوری لازم است که تئوری این اوضاع را سامان بخشد و فریضه می‌کند و این دار باشد بانه.

مشهورترین کتاب حاجز، «لویاتان» بوده است. در این کتاب، دولت را به غول بزرگ دریا شبیه می‌کند.

حاجز را می‌توان یک فیلسوف دانست؛ زیرا اول به قدرت ریاضی زده بود و با نظریه‌ها و فرضیه‌های در ارتباط بود. حاجز به نوعی انسان شناسی هستی‌شناختی
معرفه شناسی دارد. علم را بود ولی نه عالم.

جزایر زمانه‌های حاجز: جنب‌های داخلی و طولانی انگلستان در دوران زندگی چارلز اول.
وضع حکومت استر

روش شناسی و معرفت شناسی حاجز:

منابع معرفت عبارتند از: عقل، تجربه، وحی، الهام.

حاجز در معرفت شناسی خود وجه و دین را رد می‌کند و به دنبال معرفت شناسی عقلی است.

او ضلیم به دنبال عقل متفکر که با ذهن پیوند بر خورد نیست. بلکه به دنبال عقل طبیعی است.

به تاریخ روی خوش نشان نمی‌دهد. آن هم در عالم واقع می‌گذرد، مهم است.

حاجز از عقل به علم می‌رسد.

یک نوع نگاه ریاضی دارد. عقل انسان با حل مسائل و به کمک تجربه می‌تواند به یک سری اصول ها برسد. به یک کلیتی می‌توان رسید و از طریق

این کلیت می‌توان حکمت و حکومت را معنی کرد.

می‌تواند کار اصلی دولت، تأمین امنیت است.

انسان شناسی: انسان، حیوانی است که دو انگیزه برای کار کردن دارد: ترس و سود شخصی.

روان شناسی سیدس حاجز: عقل انسان در وضع طبیعی، متکی به شهوات است. تنها وظیفه‌اش این است که به وسیله‌های جسمانی عواملی که می‌تواند آن

شهوات را ارضا کند، در خدمت آن قرار گیرد. حاجز رفتار سیاسی را اهمیت می‌دهد. از نظر حاجز رفتار انسان تحت تأثیر عواملی است.

لذا این جمله را می‌توانیم بگوییم که انسان بزرگ آن است. شهوات و انگیزه‌های که آن را به سمت صلح می‌برد عبارتند از بیم از مرگ و میل به

فرزهایی که زندگی را برای او آسوده می‌کند و امید برای رسیدن به آن و عقل.

- لذا عقل حسابگر انسان او را به سوی تشکیل دولت می‌برد. بیم از مرگ، میل به فرزهایی که برای زندگی آسوده ضروری است و امید و کوشش

برای رسیدن به آن فرزها و عقل، انسان را برای ایجاد صلح به سوی یک قرارداد اجتماعی می‌برد.

- حاجز به دنبال یک حکومت مقدر، امنیت ساز، صلح ساز است. این به معنای آن نیست که حکومت تیرانی نخواهد.

- هدف غایی آدمیان، آزادی و تسلط بر دیگران است. برای این مقصد لازم است امنیت و رفاه بیش تر تأمین شود. لذا مردم طریکی توافق

حکمت یک مرد یا اجتناب از مردان را مشروع می‌داند. [قرارداد اجتماعی - توضیحی - یعنی ترس در باور دولت]
و سبب امنیت در رضایت‌مندی مردم است و رضایت مردم از طریق تأمین منافع صورت می‌گیرد.

در فلسفه سیاسی، هابز هم تئوری حکمران لازم است قدرت مطلق داشته باشد تا بتواند امنیت را برقرار سازد.

انواع حکومت ۱. دیکتاتور حکومت را بر سر خود: حکومت مستبدان، حکومت اقلیت، حکومت پادشاهی. ۲. دیموکراسی: حکومت اکثریت، حکومت مردم را همه می مردم را همه باشند. مردم هم چون به دنبال امنیت و سود هستند، باید از پادشاه اطاعت کنند.

رابطه دولت و کلیت: هابز مایل روحان را تصورات و ادعای و ضمانت می داند.

هابز به تفکیک قوا معتقد **قائل نیست**. بلکه به دنبال حکومت مطلق است.

- بین منافع و امنیت، امنیت اولویت دارد.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلسه هشتم // ۱۶/۱/۹۳
اثر امام به مالکیت در غرب یعنی تر از شرق دیده می شود. در شرق، استبداد و خود سرانه بودن پادشاه دیده می شود اما در غرب به مالکیت توجه می شود.
- هابز از وضع فرضی به جای وضع طبیعی استفاده می کند. هر تئوری آن به دنبال سودمندگی می باشد. چون این سودمندگی حاصل در وضع طبیعی حاصل نمی شود، به وضع مدنی می پیوندد.

- هابز هم تئوری عقل انسانی می تواند در اختیار شهروان قرار گیرد. برای ارضای شهروان نیز به یک وضع امن نیاز است.

- حکومت مطلوب از نظر هابز حکومت اقتدارگراست نه توتالیتر. حکومتی که برای صلح، حفظ امنیت هر چه قدرت نیاز است در اختیار می گیرد. نه این که بر جان و مال مردم حکومت کند و از قدرت خود استفاده کند. اما حکومت ای تو تالیتر، تمام ابعاد زندگی مردم را مورد دخالت قرار می دهد و سعی می کند ایدئولوژی خود را با هر ابزاری حاکم کند. در حکومت اقتدارگرا، محدودیت ای برای حاکم وجود دارد؛ چرا که هدف صلح و امنیت است.

از نظر هابز امنیت و آزادی اولویت دارد و مهم امنیت نباشد، ترس هم را فراموش کرد و حکومت در سراسر کشور قرار می گیرد. حتی اگر عدالت هم نباشد، اگر صلح و امنیت باشد، کافی است.

چند خطر هست که باید رفع شود:

۱. قانون ترسناک: قانون جان اراده حکمران است.

۲. مردم تکلیف شرعی را مقدم بر تکلیف مدنی خود نمی دانند. هر تئوری اراده خدا قابل شناخت برای ما نیست؛ پس بهتر است تحت اراده حکم قرار بگیریم.

۳. دولت در دولت: شکل گیری اجزای و اجتناب ها، شریک کردن افراد در قوا باعث ضعف حکومت می شوند. حکومت ای اقتدارگرا از جمعیت پرهیز می کند. هابز به شدت مخالف تفکیک قواست.

- هابز جهان دگرگونی ای را که بزرگ معرفی می کرد، مطرح می کند. حاکمیت مطلق، دائمی، تقسیم ناپذیر، توهم ناپذیر. که چرا حاکمیت باید این گونه باشد؟ هابز می گوید چون "قرار" بر همین بود. ورنه از وضع طبیعی خارج نمی شویم. اگر من خواهم از وضع طبیعی خارج شوم، باید قدرت ادرست یک نفر قرار دهم. اطاعت از حاکم کاملاً لازم است؛ چون قدرت برتر است و اگر به وضع طبیعی مراجع شود، دوباره به وضع طبیعی بازگشته ام.

هم چنین حاکم، مصونیت دارد و نمی تواند تحت تعقیب قضایی قرار بگیرد.

وظایف حکومت: حاکم باید به آموزش مردم تقارن کند؛ چرا که آموزش ضامن امنیت است. حاکم بر معاملات مردم باید تقارن کند تا مخالف صلح نباشد. حاکم باید به خوبی توانایی حل اختلافات را داشته باشد. حق اعلان جنگ و صلح پر در دست حاکم است.

رابطه حکومت و کلیت: هابز می خواهد حکومت را از مقام آسمانی و الهی به زمین بکشد. می خواهد مشروعیت حکومت را از خداوند جدا کند. هر تئوری هم می تواند با خدا ارتباط داشته باشد. نیازی به کلیت وجود ندارد. هابز می خواهد حکومت را زمین و سکولار کند. **۱۱۰**

هر کس می تواند کتاب مقدس را فهم کند. اراده می حکم بر طلب مقدم است. برای دستورات و فهم باید به حکم مراجعه کرد. حکم بر اولی باید ملک طلب می دولت تشکیل دهم.

منبای تأسیس دولت، قرار داد اجماعی است. عبور از جریان های وضع طبیعی با قرار اجماعی ممکن می شود. اما در جامعه ای مدنی نیز محدودیت های برای حکم وضع شده است. منشأ حکومت، رضایت هیجان است.

مهم ترین ویژگی ای اندیشه می حکم آنکه او را بر جبهه می کشد، همان «قرار اجماعی» است و حکومتی را که تصور می کند و محدودیت ای می بر می آورد. دیگر ویژگی اندیشه می مدون حکم، نگاه ماتریالیستی اوست.

سبک تفکر حکم، فلسفه است. نقد حکم که به حکم وارد است: حکومت به نسبت اقتدار گرای او،

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر محمدی // جلسه ی پنجم // ۳۰/۱/۹۳

جان لاک، منبای حکومت «قرار» است که می تواند بر اساس اجبار، رضایت یا - باشد. در اندیشه می مدون تفکر حکم، لاک و روسو منبای حکومت «قرار» در تقارن شده است. حکم را پدر اقدار آزادی جدید می خوانند. روسو پدر سوسیالیسم اروپایی است. بین ترین تأثیر، مربوط به لاک است که پدر لیبرالیسم نامیده می شود. او منبای اصلی اندیشه می است را آزادی و آرزوی دهد. او جزو بزرگ ترین معرفت - انسان است. معرفت سیاسی لاک، حس و تجربه است.

لاک بین تر منبای با ارسطو است. در اندیشه می ارسطو نیز تجربه می بدو فهم بود. زمانه می لاک: کساکس بین پادشاه و پارلمان شروع شده است.

لاک آزادی خواهی است که توجه به ارزش دارد. لاک معتم انقلاب مشروطی انگلستان (۱۶۸۸) است.

در رساله می اول لاک، او من قواعد حق الهی پادشاه را رد کند. در این کتاب، نظریات فیلیم را نقد می کند. رساله می اول لاک لاک ادله می عقلی و نقلی فیلیم را رد می کند. لاک معتقد است امر حکومت، این جهانی است و به عهد می ماست.

[مانند اهل تن که بعد از بیاورد، از سخنان بیاورد عدول کردند.] فیلیم: در تورات آمده: خدا به آدم فرمود برود در زمین بر همه مردم مسلط شو و بر آنان حکومت کن. لاک: مگر قبل از آدم، انسان وجود داشته که بر آنان حکومت کند.

لاک می نویسد نمی توانیم از جمله می «به پدر و مادر خود امرام بگذاریم» از کتاب مقدس، اطاعت سیاسی را استنباط کنیم. حق الهی پادشاه، دوره ای است حمد فاضل بین دوره می قبل که مشروعیت از جانب پاپ تأیید می شد و دوره می بعد که توسط لاک، حق الهی پادشاه کنار می رود و قانون گذاری قدرت می آورد.

در رساله می دوم جانترین حق الهی را معرفی می کند.

لاک سه کتاب مهم دارد: رساله ای درباره می فهم بشر، رساله ای درباره می حکومت، رساله ای درباره می تساهل. لاک را پدر لیبرالیسم و به عبارتی پوزیتیویسم می دانند.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر محمدی // جلسه ی دهم // ۲۶/۱/۹۳

نقد های که به کتاب لاک وارد است: یکی عدم انطباق در اندیشه می اوست. مناقشه ای وجود دارد: این که آیا وضع طبیعی وجود داشته است یا نه؟ در وضع طبیعی، قانون و قاضی و مجری وجود ندارد. برای بهتر

سنگ وضع زندگی مردم ؛ وضع مدنی روی آلودند .

روشن شناسی : تجربه برای روشن لاک است که در کتاب رساله‌ای درباره‌ی فهم بشر پس از مورد توجه است ، لاک معتقد است شایسته انسان فقط از تجربه حاصل می‌شود . آیا لاک وضع طبیعی را خودش حس کرده بود یا از تجربه‌ی دیگران استفاده کرده ؟ لاک می‌گوید وضع طبیعی وجود داشته و دارد ؛ هر کس به صورت هم در جنس این آمارون ، انسان هاست به صورت طبیعی زندگی می‌کنند .

انسان شناسی : نتیجه این خوش بین است . طبیعت خوبی دارد ، سرور است . برای رسیدن به وضع مطلوب باید براساس قرار از وضع طبیعی عبور کند . لاک به دنبال وضع مطلوب این جهان است . انسان‌ها برابر خلق می‌شوند ولی ظرفیت‌ها و استعدادها متفاوت است . باید وضعی به وجود بیاید تا این قابلیت‌ها ، بروز پیدا کند . انسان‌ها در هنگام تولد ، مالکیت ندارند و انسان با کار کردن روی زمین می‌تواند مالک آن شود .

حق داشتن مالکیت با پادشاه است ، اما اگر پادشاه از حق خود سوء استفاده کند ، باید زبانی دیگر وجود داشته باشد . از این رو است که لاک ، اهمیت بیش‌تری به پارلمان می‌دهد .

قانون نیز جنبش مهمی اثر اندیشی لاک است ؛ قانون‌گذاری به معنای هم‌نیاز دارد که مجرای همان قانون‌گذاران اند .

همه در برابر قانون برابرند ولی در عالم واقع باهم متفاوت اند . / تساهل و آزاد گذاشتن مردم در مسئله‌ی دین /

- آیا لاک الهام بخش انقلاب ۱۶۸۸ بوده است ؟ برخی می‌گویند خیر چون اندیشه‌ی هاس او بعد از انقلاب ۱۶۸۸ منتشر شد . ولی برخی دیگر می‌گویند اندیشه‌ی هاس او میان مردم وجود داشته اگر چه هنوز منتشر نشده بود . البته باید توجه داشت که اندیشه‌ی هاس لاک در انقلاب آمریکا خیلی اثرگذار بوده است .

آزادان از بزرگم .

آزادان یعنی فراغت از کار . حاکم و پادشاه جامعه باید آرامش داشته باشد تا بتواند فکر کند (افلاطون)
آزادان از موانع ؛ آزادی در بیان و ...

آزادان در اندیشه‌ی لاک ، بیش‌تر ناظر به نوع سوم است ؛ چرا که هر خواهد از مشکلات وضع طبیعی رهاسی پیدا کند .

و آزادی در فعالیت اقتصادی در وضع مدنی توسط او اثبات می‌شود . انسان با قرار گرفتن در وضع مدنی می‌خواهد مالکیت خود را افزایش دهد . البته لازم است محدودیت‌هایی برای میزان مالکیت وضع شود . لذا می‌تواند هر انسان براساس نیاز خود مالکیت داشته باشد . مشکلی که وجود دارد این است که نیاز را چگونه تعریف می‌کنیم . می‌تواند مالکیت را خود مردم باید محدود کنند نه دولت .

لیبرالیسم فلسفی : فلسفه‌ی دولت با توجه به این شناسی و شایسته وضع طبیعی شایسته می‌شود . لاک می‌گوید است ؛ این تئوریست بودن . آیا تأثیر بزرگی از زمانه باعث این تئوریست شدن اندیشه‌ی لاک بود ؟ عده‌ای می‌گویند این هنر متفکر است که فرزند زمانه‌ی خودش باشد ؛ اندیشه‌ی او هم رشد کرده و بازتاب پیدا کرده و به نقاط دیگر جهان صادر شده است . لذا اندیشه‌ی او فلسفی و عقلی است نه این تئوریست .

نقد لاک : - تساهل لاک و عدم دین‌گرایی . البته بعضی می‌گویند او در ابتدا دین‌گرا بوده است ولی در کل دین‌گرایی او با نام لیبرالیسم و آزادی از دین شایسته می‌شود . تساهل لاک از دین شروع شد ولی بعداً بهت‌آلود فرحنگی و ... منجر شد .

- نوع مالکیت که پیشنهاد می‌دهد ، با برابری در خلقت و در مقابل خداوند متفاضل است .

- فرد اولویت بر این کند بر جامعه.

- معرفت شناسی تجربه برای لاک ناکامی شناخته شده از طرف عقل گرایی است. خلیفه حسن کراچی (پراس).

حق انقلاب: برای رسیدن به وضع مدنی، انقلاب لازم است.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلدی نازدهم // ۹۳/۲/۱۳

مونتسکیو: او سعی می کند یک چهارچوب قانونی به اندیشه های خود ببندد. آثار او: نامه های ایرانی (تخیلی است و اندیشه های خود را در قالب عیش و ذکر می کند). روح القوانین.

فرانسه تحت تاثیر دو موج از ایالتی و انگلیسی است. کشکس میان پروتستانسیم و کاتولیسیم وجود دارد. مونتسکیو می خواهد آئینه دهد.

انقلاب نیست و لیس بر انقلاب فرانسه اثر نثار بوده است.

از یک جهت شبیه ارسطو است: هر اقلیمی حکومت خاص خود را می طلبد. کشور های کوچک، دموکراسی و کشور های بزرگ، استبداد است.

او تفکیک قوا را به طور صریح نام نبرده و لیس تفکیک قوا را از او شناسیده می شود. هر کس قوه های قضائیه باید در اختیار مردم باشد. جمع بین توده های مردم و اشراف در مجلس قانون گذاری باید باشد.

حکومت مطلوب از نظر مونتسکیو، جمهوری دموکراتیک است؛ بعد از آن پادشاهی مطلقه مناسب است.

نقد مونتسکیو: تفکیک قوا در قانون اساسی تعیین شده بود ولی در عمل اجرا نشد.

نمی توان مونتسکیو را فیلسوف نامید بلکه او نظریه پرداز سیاسی است. روش او قیاسی - استقرایی است. فیلسوف نیست چون اندیشه های او مبتنی بر آن است. شناسی و معرفت شناسی و هسته شناسی نیست.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلدی نوزدهم // ۹۳/۲/۲۰

ژان ژاک روسو

عقل گرایی در قرن ۱۸ } عقل گرایی فلسفی: عقل به تنهایی در برابر سایر منابع شناخته قوام می گیرد.
عقل گرایی تجربی.

در مقابل وحی گرایی و ایمان گرایی مطرح می شود.

چنان زمانه روسو: منازعه در عصری فکر و در عصری جامعه. بین اعیان و فقرا. بین عقل گرایی و غیر عقل گرایی. بین کاتولیک و پروتستان. زمانه ای روسو قرن ۱۸ می آغاز شده است. جامعه کم کم به لحاظ علمی و اقتصادی در حال رشد بود. اما استبداد حاکم بود.

اندیشه های او رخدادهای انگلیس نیز بر فرانسه موثر بود. اندیشه های لاک و لایب نیتز به اروپا صادر شده بود. اصحاب و واردات اجتماعی هابز، لاک، روسو اندیشه های روسو بین هابز و لاک قرار دارد. لاک دموکراتیک تر، آزادتر و هابز اقتدارگرا تر است و روسو میان این دو جای دارد.

اندیشه های روسو صبر و تحمل دارد. سطح انظار او از شخصیت او بالاتر است. (نداشتن تربیت خانوادگی، داشتن بهاری ای جنسی) علامت به جنس، طبیعت و موسیقی دارد. روسو به عقیده ی بهاری، معلم انقلاب فرانسه است؛ یعنی به طبع غیر مستقیم تاثیر گذاشت. برخی هم تاثیر گذاری مستقیم او را قبول دارند.

زندگی فردی روسو چهره ای بدی دارد: بیایه ای جنسی، بی بند و باری، عدم پایبندی به خانواده، پنج فرزند نامشروع.

روسو می گوید قانون در وضع مدنی ضعیف دست و پاگیر است، وضع طبیعی ضعیف بهتر بود زیرا خودخواهی نبود، مالکیت اترک می بود، ایثارش وجود داشت، برده گیری وجود نداشت. اما وضع طبیعی مناسب نیست. انسان به دنبال تکامل است؛ لذا به سمت وضع مدنی می رود. در وضع طبیعی ضمانت وجود ندارد.

* نوبت: برخی مباحث نوشته شد. از جمله تعریف حاکمیت، حکومت و دولت، ملت، شهروندی، آزادی و برابری.

روسو پدر دموکراسی گفته می شود. او به دنبال آزادی است؛ آزادی که به طور برابر به همه برسد. در وضع مدن این آزادی را باید قوهی حاکم بر جامعه فراهم کند.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلسه ی سیزدهم // ۹۳، ۲، ۲۷

(۰۰۰)

روسو پیش تر به دنبال

قابل به اهمیت افکار عمومی است. افکار عمومی چنان نظارت می گزیند که هر فردی صدای خود را در

در روز ۱۹ جریک غالب، جریک رومانیسم بود. رومانیسم، یعنی غلبه ی احساس بر عقل.

نظاره روسو به دین: خدای طرفدار نهاد دین نیست. نهاد کلی را کامل کنار می گذارد. اگر هم لازم باشد تحت سطوح حکومت باشد. روسو قابل به دین مدرن است. او به دنبال دین هدایتگر است. او دین ستر است. چون من خواص را برای اندیشه و مباحث دیگرش خلی و مانعی وجود داشته باشد، به کل دین را کنار می گذارد. زندگی شخصی روسو نیز به طور کامل بیانگر عدم وابستگی او به دین است.

باور به سعادت: روسو قابل به سعادت به معنای رسیدن به غایت است. هر کس هدف نهایی دولت، تأمین نیازها معنوی انسان است. هر کس دین ۳ نوع است: دین انسان، دین، دین مدرن.

نقد روسو: ناقص های اندیشه ی او: آزادی فرد و اقتدار حکومت / دین ستر او

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // جلسه ی چهاردهم // ۹۳، ۳، ۱۳

در این جلسه حضرت نداشتیم.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلسه ی پانزدهم // ۹۳، ۳، ۱۰

حکله: بسیاری او را پدر فاشیسم و نازیسم می دانند.

زمانه ی حکله: پیش تر از کانت به سفر پرداخته. برای رسیدن به دانشگاه مورد علاقه ی خود، تلاش زیادی کرد.

کتاب ها: «فلسفه ی حق» و «فلسفه ی تاریخ»

حکله پیش تر منتقد اصحاب و واردات اجتماعی بود. ضمانت اجرایی و اراد اجتماعی را نیافته.

حکله فیلسوف تاریخ است و پیش از همه بر تاریخ تأکید دارد.

حکله ایده آگست است. به دنبال یک ایده ی تاریخی در آینده می گزیند. این باعث می شود فلسفه ی تاریخ او، تکامل باشد. به عقیده ی او آخر الزمان ها متکامل تر از انسان های اولیه هستند. خدا هم با تکامل تاریخ، پیش تر نمود دارد.

تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب (ب) // دکتر مجیدی // جلسه ی شانزدهم // ۹۳، ۳، ۱۷

ادموند برک: اندیشه های مبتنی بر اندیشه های ارسطو دارد. به عقیده ی او انسان طبیعتاً مدرن است. انسان از طریق تجربه به مواردی می رسد که عقلانیت را درک کنیم نمی تواند لزوماً اهمیت آن را درک کند. انسان را به دنبال نظم و ثبات و امنیت هستند. هدف او دفاع از نهادها و وضع موجود است. به مالکیت در وضع مدرن اهمیت می دهد. برک نسبت به عقلانیت فردی که تحت تأثیر احساس است و هوای نفس است، سوخو ظن دارد؛ چرا که مانع نظم و امنیت است. قابل به عقلانیت تاریخی و نهادی است. فیلسوف دموکراسی نیست؛ اما مردم را برابر می داند. به عرف، سنت و دین [۱۴]

اهداف مردم‌دود. لذا با حضور سیاسی زمان فی‌الوقت هرگز. مهم‌ترین هدف او تأمین نظم و امنیت است. او بودی فقط کاری سنتی است.
حکومت مطلوب: محافظه‌کار، خنثی‌گرا ← هر حکومتی که نظم سیاسی را تأمین کند، خوب است.
آزادی مردم است اما نه به اندازه‌ای نظم.

بهترین نوع حکومت آن است که مناسب با مردم و اعلم با سلسله.
حاکم باید سلسله، مالکیت و تبار داشته باشد.

به اصالت خانوادگی برخی بازدارندگی ایجاد میکند؛ چرا که جرم حاکم باعث از بین رفتن آبروی خاندان می‌شود.

برک، تعدیل یا نقوی است بر اصحاب قرارداد اجتماعی.

فایده تباریک [سنتیسم و استوارت میل]

سنتیسم: قانونی مفید است که به مردم سود برساند. توجه به واقعیت‌های جامعه مهم است. نباید زحمت برای مردم ایجاد کرد. بهترین کارها این است که بیشترین شادمانی و کج‌ترین درج را در پی داشته باشد. قراردادی بودن حکومت را مقبول ندارد. باید قانونمندی را با ترتیب مردم، جا انداخت.